

بسم الله الرحمن الرحيم
در یادبود هجرت
شرایط مشابه و رویکرد یکسان
(ترجمه)

هجرت رسول الله صلی الله علیه وسلم یک حادثه عطفی را در تاریخ مسلمانان شکل داد، اعلانی برای مرحله جدید دعوت بود و با هجرت رسول اله صلی الله علیه وسلم نقطه ارتکاز یعنی دولتی شکل گرفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم طی دعوت سیزده ساله خود در مکه برای بدست آوردن آن فعالیت نمود. آن حضرت از تعقیب قبایل زیادی از عرب و طلب النصرت از آنان دست نکشید تا این که الله پذیرش اوس و خزرج را در مدینه منوره به وی موهبت نمود. در نتیجه آغاز برپایی دولت توسط آنان صورت گرفت تا مرحله نوینی آغاز گردد که مسلمانان در آن از هیچ تلاشی دریغ نکردند و لحظه‌ای از زمان را بیهود صرف ننمودند، از آن برای وارد کردن اسلام به هر خانه گلی و چادری استفاده نمودند و الله برایشان پیروزی و نصرت را محقق نمود.

پس وضعیت مسلمانان پیش از برپایی دولت در مدینه منوره چگونه بود؟ و چه شباهتی میان آن و وضعیت کنونی مسلمانان به صورت کلی و مردم شام به صورت خاص، وجود دارد؟ هرکس سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم را تعقیب کند، در می‌یابد که از لحاظ مادی، هیچ نور امیدی برای نجات وجود نداشت! رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب بزرگوارش تا آخرین روز در مکه با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کردند و نیت کفار قریش از قتل رسول الله پیش از هجرت آن حضرت صلی الله علیه وسلم به عنوان دلیل بر وضعیت زندگی شان کافی است. تنها نگاه مادی بر وضعیت دعوت تا پیش از هجرت، بیانگر آن است، بناءً پیامبر رهبر و یاران مؤمن وی در محاصره مردم و خشونت کامل بسر برده، از فشارهای مختلف رنج می‌بردند که هر لحظه ممکن بود بمیرند و دعوت پایان یابد! همچنین وضعیت مادی آنان بیان می‌کرد که هیچ جرعه آرزویی در افق نمودار نیست و هیچ راه نجاتی وجود ندارد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه همراهش، حتی لحظه‌ای بدور از فشار، شکنجه و تبلیغات مغرضانه قریش سپری نکردند. مجال بر آنان تنگ و تبلیغات شدید علیه‌شان جریان داشت و عکس العمل طائف دلیلی بر شدت آن چیزی بود که در مقابل رسول الله صلی الله علیه وسلم دعوت و یارانش در جریان بود؛ واقعیتی که اگر کسی آن را مفصل مطالعه نموده باشد، خواهی گفت: نجات، کامیابی و پناهگاه کجاست؟!

در مقابل، آیات الله متعال برای ثابت‌قدمی مسلمانان و کشت اطمینان و آرامش در قلب‌ها و جان‌های‌شان نازل می‌شد و مژده می‌داد که پیروزی نزدیک و آینده از آن این دین پر عظمت است؛ حتی اگر مدتی به طول بینجامد و کفار دوست نداشته باشند. شرایط و واقعیتی که دعوت و حاملین آن به سر می‌بردند، در برابر مصیبت‌ها صبر پیشه کردند و به پیروزی از جانب الله که در رأس آن اندیشه "دولت قرار داشت، یقین داشتند و وضعیت پستی که در آن زمان بر مردم تحمیل می‌گردید، گمراهی بزرگی که از جانب سیاست‌مداران در معرض‌اش قرار می‌گرفتند، ظلم نظامی که بر آنان حکم می‌راند و بردگی که تحت نظام دست ساخته آن زمان در آن به سر می‌بردند، افزون بر آن بود.

پس نادانی فراگیر شد و سلطه و استبداد آنان هم حکم‌فرما گردید تا این که مردم هیچ امیدی به نجات نداشتند و در نتیجه چیرگی نظام‌های حاکم آن را احساس نمی‌کردند.

مسلمانان امروزی هم همان چیزی را احساس می‌کنند که مردم در گذشته احساس می‌کردند! تجاوز، استعمار، تسلط و استبداد نظام‌ها باعث شده که مردم احساس کنند، هیچ راه نجاتی از آنچه متحمل می‌شوند، وجود ندارد و آنچه طی انقلاب‌های شان بدست آوردند، این ناامیدی را افزایش می‌دهد و هیچ یار و یآوری نیافتند؛ علاوه بر کثرت توطئه‌گرهایی که بر آنان و انقلاب هایشان وجود دارد، حقیقتی که مردم طی مشاهده واقعیت احساس می‌کنند، علاوه بر تمام این‌ها ابزار و وسایل گوناگونی که نظام‌ها در اختیار دارند و علیه شان بکار می‌گیرند، چه رسانه‌ای باشد و چه غیر رسانه‌ای، که باعث تقویت این دیدگاه گردیده و در آینده هر درخشش آرزویی را که در نزد برخی انسان‌های خوشبین از نجات حاصل می‌شود، نابود می‌کند.

اگر اندکی دقت نماییم، همین موضوع را در بین مردم شام مشاهده می‌کنیم! حجم فشارهای زیاد و استفاده از ابزار فراوانی که همه و همه به منظور خدمت و تثبیت این دیدگاه می‌باشد. بناءً حجم نشسست‌هایی که فقط الله از آن آگاه است، شدیدترین ممنوعیت‌ها، فشار زیاد و عدم پشتیبانی از جانب سردمداران انقلاب و کسانی که ادعا می‌کنند، حامی، نگهبان و یاور برحال

و بالقوه آن هستند، برای چی است؟ فقط برای یک چیز است؛ این که مردم را از وقوع تغییر، ناامید نموده این اندیشه که دیگر امیدی برای نجات نیست را در اذهان شان راسخ سازد، که دلیل آن حوادثی است که مردم صبح و شام با آن روبرو هستند. با وجود تمام این ها نویدهایی بر تو می‌وزد و دل‌داری می‌دهد که آرزوی تغییر در وجود مردم شام و دیگر فرزندان امت راسخ است و شوق آنان به تغییر وضعیت شان موجود و نیرومند است!

با وجود تمام آنچه پیشتر یاد نمودیم، موضوع قابل ملاحظه این است که مردم بند ترس را شکسته و چشم به یک تغییر ریشه‌ای و مبدئی دوخته اند! این ها نویدهایی خوبی اند که امید و اعتماد به نیروی فرزندان راستین امت بر تغییر را بار دیگر زنده می‌سازد.

اگر درباره دعوت و حاملین آن صحبت کنیم، خواهیم دید که آنان نیز در همچو حالاتی اند که رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحابش به سر می‌بردند. بناءً تمام برآوردهای ظاهری چنین می‌نماید که هیچ نجات و دریچه‌ای در افق پدیدار نیست، پس دعوت از فشاری که بر آن تحمیل می‌شود، رنج می‌برد و حاملین آن لحظه‌ای هم بدون شکنجه، قتل، تعقیب و تهمت های دروغین بر آنان نمی‌گذرانند. واقعیتی که در خود آن قدر متشابه است که ممکن است نتوانی آن را تمایز نمایی، تا اندک زمانی توقف کنیم و بخوانیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم من حیث الگوی نیکوی ما در این موقف چه عملکردی داشته است. صبر آنان در مقابل نظام‌ها یاد هجرت را زنده می‌کند، همچنین جنگجویی و استقامت صاحب هجرت صلی الله علیه وسلم و یاران گرامی اش با وجود آنچه یاد نمودیم، همان چیزی است که در پایان نتیجه بخش ظاهر گردید.

پس تمام آنچه در مقابل آنان و دعوت انجام می‌شود، بالای عزم شان هیچ تأثیر نمی‌گذارد؛ بلکه انگیزه‌ای برای بذل بیشتر و یقین به این است که الله نصرت دهنده دین خود و غالب کننده پیامبر خود است و این همان چیزی است که ما امروزه باید بر آن عمل کنیم. بناءً دریای توطئه خروشان و امواج کینه مرتفع است! تنها چیزی که با آن روبرو می‌شود، این است که یقین داشته باشیم یاری الله نزدیک است و هر قدر سختی بیشتر گردد، گشایش نزدیک می‌شود و کشتی حکم بما انزل الله به ساحل نمادین خود یعنی نقطه ارتکاز دوم خواهد رسید! هر کس می‌خواهد بخواد و هر کس سر باز می‌زند سر باز زند! به اذن الله روزی قریب الوقوع است و روزی از روز های الله که مسلمانان متیقین به وعده الله سبحانه و تعالی بوده انتظار آن را می‌کشند، فرا خواهد رسید:

﴿إِلَّا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ [بقره: 214]

ترجمه: آگاه باشید، یاری الله نزدیک است!

مترجم: طه خالد